

مروری بر کارنامه حزب‌الله در دوران دبیرکلی سیدحسین نصرالله

سی سال مقاومت، سی سال پیروزی

روزهای پایانی بهمن ماه ۱۳۷۰ خودروی سید عباس موسوی، دومین دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان در مسیر بازگشت از مراسم سالگرد شیخ راغب حرب مورد حمله بالگردهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت و او به همراه همسر و فرزندش به شهادت رسیدند. سی سال از آن روز و آغاز دوران دبیر کلی سیدحسین نصرالله در حزب‌الله لبنان میگذرد. جنبش مقاومت اسلامی حزب‌الله در طول این سه دهه مقاطع حساس و نبردهای سختی را پشت سر گذاشته و حالا به یک قدرت تعیین کننده در منطقه مبدل شده است.

در گفت‌وگو با **دکتر مسعود اسداللهی، کارشناس و تحلیلگر مسائل KHAMENEI.IR** پایگاه اطلاع‌رسانی **بین‌المللی و منطقه مروری بر کارنامه حزب‌الله لبنان در طول سه دهه دبیرکلی سیدحسین نصرالله** داشته است

**در حال حاضر، حزب‌الله و دشمنان او نسبت به سی سال قبل چه تغییراتی کرده‌اند؟ آیا همان**

**نسبت و موازنه سابق بین حزب‌الله و رژیم صهیونیستی برقرار است یا تغییر کرده است؟**

قطعاً همه می‌دانند که جنبش مقاومت حزب‌الله در صحنه لبنان هم دشمنان داخلی و هم دشمنان خارجی دارد. در طی سی سالی که جناب آقای سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله بوده است، هم معادله داخلی و هم معادله خارجی در مقابل دشمنان حزب‌الله به صورت اساسی تغییر کرده است.

سی سال قبل، وقتی آقای سیدعباس موسوی، دبیرکل حزب‌الله شهید شد و آقای سیدحسین نصرالله جایگزین ایشان شد، در زمستان سال ۱۳۷۰، دو سه سالی بود که جنگ داخلی لبنان تمام شده بود و تازه شکل نظام سیاسی لبنان داشت از آن وضعیت بغرنج و بحرانی و جنگ‌زده دوران جنگ داخلی خارج می‌شد و هنوز خیلی از مسائل روشن نبود و انتخابات پارلمان جدید در پیش بود. حزب‌الله هم برای اولین بار می‌خواست در انتخابات پارلمانی شرکت کند؛ چون انتخابات پارلمانی در لبنان با شروع جنگ داخلی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۹۲ میلادی برگزار نشده بود. بنابراین، امتحان بزرگی برای حزب‌الله و همه گروه‌ها در صحنه داخلی لبنان بود؛ چون مشخص می‌شد که حجم قدرت سیاسی‌شان در بین مردم لبنان چطور هست.

در آن زمان، حزب‌الله گروهی مثل بقیه گروه‌ها بود و با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بود. ارتش رژیم صهیونیستی هم هنوز در جنوب لبنان حضور داشت و بخش‌هایی از این کشور را تحت عنوان کمربند امنیتی اشغال کرده بود. در چنین شرایطی، آقای سیدحسین نصرالله دبیرکلی را به عهده گرفت.

اما در طی سی سال گذشته، تحولات بسیار مهمی در دهه ۹۰ میلادی اتفاق افتاد که شاهد یک جنگ هفت‌روزه در سال ۱۹۹۳ و یک جنگ شانزده‌روزه در سال ۱۹۹۶ بودیم و حزب‌الله با رهبری آقای سیدحسین نصرالله بسیار موفق از این دو جنگ بیرون آمد. در جنگ شانزده‌روزه نیز معادله طوری تغییر کرد که اسرائیل مجبور شد حزب‌الله را به‌عنوان گروهی که دارد از مردم لبنان دفاع می‌کند، به رسمیت بشناسد هرچند که رسماً به رسمیت نمی‌شناخت؛ اما در پایان جنگ شانزده‌روزه توازن ایجاد شد که اگر اسرائیل مناطق مسکونی لبنان را مورد هدف قرار بدهد، حزب‌الله هم حق داشته باشد مناطق مسکونی در شمال فلسطین اشغالی یا در کل فلسطین اشغالی را به‌اندازه برد سلاح‌هایش مورد حمله قرار بدهد. از این‌رو، اسرائیلی‌ها مجبور شدند نتایج جنگ ۱۹۹۶ بپذیرند. این پذیرش، سرآغاز تحولی بسیار مهم بود. بعد از آن هم، با پیروزی حزب‌الله در سال ۲۰۰۰، اسرائیل کلاً مجبور به عقب‌نشینی شد؛ چون نوع حمله‌ها و توان نظامی حزب‌الله به جایی رسیده بود که ارتش رژیم صهیونیستی هم تلفات انسانی و هم هزینه‌های تسلیحاتی و مالی زیادی را تحمل می‌کرد.

عقب‌نشینی ذلیلانه اسرائیل از جنوب لبنان برای اولین بار در تاریخ اعراب و اسرائیل اتفاق افتاد و این رژیم در جنگ با یک کشور عربی بدون اینکه امتیازی بگیرد، مجبور به عقب‌نشینی شد؛ عقب‌نشینی از کشوری مثل لبنان که در بین کشورهای همسایه فلسطین اشغالی (مصر، اردن و سوریه)، ضعیف‌ترین کشور از نظر قدرت نظامی و اجتماعی به حساب می‌آمد.

بعد از آن، پیروزی‌های بزرگی مانند عملیات اسیرگرفتن در سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد، ولی با ترور حریری در سال ۲۰۰۵ تحول بزرگی رخ داد؛ ارتش سوریه بعد از ۲۹ سال مجبور شد خاک لبنان را ترک کند و همه فکر می‌کردند خلاً قدرتی به‌وجود می‌آید که طرفداران آمریکا و اسرائیل و عربستان آن را پر می‌کنند، اما حزب‌الله با قدرت وارد صحنه شد و خلاً ناشی از خروج ارتش سوریه را کاملاً جبران کرد و بار دیگر محور مقاومت توانست با قدرت به کار خودش در لبنان ادامه بدهد.

بعد از آن هم، بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ شروع شد که جنگ بسیار خونینی بین گروه‌های تکفیری-وهابی با ارتش سوریه و هم‌پیمانان آن اتفاق افتاد. در اینجا هم، با رهبری آقای سیدحسین نصرالله و فرماندهی شهید بزرگوار حاج‌قاسم سلیمانی، پیروزی بسیار بزرگی به‌دست آمد و نیروهای تکفیری شکست خوردند.

بنابراین، الآن پس از سی سال از دبیرکلی جناب آقای سیدحسین نصرالله، باید بگوییم که در این سی سال همواره حزب‌الله توانسته قدرت خودش را با حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص شخص سردار سلیمانی افزایش بدهد و توازن قوا یا قدرت بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی را ایجاد کند. به همین خاطر، اسرائیل از سال ۲۰۰۶ تا الآن دیگر به خودش اجازه نداده به خاک لبنان حمله کند؛ چون می‌داند که حزب‌الله

آنچنان قدرت موشکی و پهپادی و تسلیحاتی پیدا کرده که دیگر امکان خطر کردن و تحمیل جنگ زمینی و هوایی به او را ندارد.

**حزب الله در عین اینکه یک جنبش مقاومت ملی و لبنانی است، اما در منظومه هویتی انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی رحمه الله علیه قرار دارد. ارزیابی شما از رعایت این موازنه و نسبت آن در دوران دبیر کلی آقای سیدحسن نصرالله چیست؟**

حزب الله فعالیت خودش را در دهه‌ی هشتاد میلادی به‌عنوان گروه مقاومت شروع کرد و تا چند سال اول، گروهی کاملاً محرمانه، بسته و تا حد زیادی ناشناس بود، ولی تا پایان دهه هشتاد میلادی تقریباً یک گروه نظامی - امنیتی بود تا یک گروه سیاسی؛ اما با پایان جنگ داخلی لبنان، حزب الله به‌عنوان یک گروه سیاسی وارد نظام سیاسی لبنان شد و از دهه ۹۰ به بعد، با تدبیر آقای سیدحسن نصرالله، توانست هم هویت اسلامی - انقلابی خودش را حفظ کند و هم هویت ملی و داخلی خودش را بسیار زیبا نشان بدهد. این دستاورد بسیار بزرگی هست، ولی بسیار کار مشکلی بود؛ چون دشمنان و مخالفین حزب الله در داخل لبنان مرتباً با تهمت‌ها و توطئه‌هایی خود سعی می‌کردند حزب الله را به وابستگی به ایران و سرسپردگی و مزدوری برای این کشور متهم کنند.

اما حزب الله با عملکرد شفافانه و دفاع جوانمردانه خود از لبنان، توانسته تمامی توطئه‌ها و عملیات‌های روانی علیه خودش را در طول این سی سال با اخلاص، با جهاد، با مبارزه، با توکل به خدا و با تلاش و کوشش خنثی کند. این موفقیت بسیار بزرگی است؛ چون یک گروه سیاسی به این راحتی‌ها نمی‌تواند هویت انقلابی و هویت به همین خاطر، الآن حزب الله در تمام انتخابات داخلی و ملی خودش را با هم منسجم حفظ کند و نگه دارد پارلمان‌هایی که بعد از جنگ داخلی برگزار شده، کرسی‌های زیادی به‌دست آورده و عضو پارلمان است و فراکسیون انتخاباتی در پارلمان دارد. از طرف دیگر، از سال ۲۰۰۴ به بعد هم حزب الله در تمام دولت‌های لبنان وزیر داشته است. بنابراین، الآن کسی نمی‌تواند حزب الله را نادیده بگیرد و بگوید یک گروه خارجی یا وابسته به خارج است، چراکه لبنانی‌ترین گروه لبنان، حزب الله است؛ چون حزب الله با حمایت‌های ایران توانسته با اشغالگری اسرائیل و دفع خطرهای گوناگون مثل خطر تکفیری‌های وهابی مبارزه کند و نگذارد ذره‌ای از خاک لبنان به دست آن‌ها بیفتد.

**رهبر انقلاب معتقدند مقاومت و پیروزی آن در برابر رژیم صهیونیستی نقطه شروع یک مسیر طولانی است. این مسیر چه ویژگی‌هایی دارد و نقطه پایان آن کجاست؟ پیروزی حزب الله در جنگ سی‌وسه‌روزه چه تأثیری بر اوضاع منطقه غرب آسیا و نقشه خاورمیانه جدید آمریکایی‌ها داشت؟ مقاومت، مسیر و سبک زندگی و مدرسه و مکتب است که در طول تاریخ بشریت همواره به اشکال مختلف وجود داشته و در مقابل ظلم داخلی و خارجی و تجاوز نظامی خارجی و جنگ‌های تحمیل‌شده ایستادگی و**

مقاومت می‌کند.

همان‌طور که اشاره کردید، رهبر انقلاب می‌فرماید پیروزی مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی تازه نقطه شروع این مسیر است. با خروج ارتش رژیم صهیونیستی از لبنان در سال ۲۰۰۰، مقاومت تمام نشد و به اهداف خودش نرسید؛ چراکه اولاً، بخش‌های کوچکی از خاک لبنان در اشغال رژیم صهیونیستی بود و ثانیاً، اسرائیل نسبت به منابع و ثروت‌های ملی و طبیعی لبنان از جمله آب و نفت و گاز در ساحل مدیترانه به‌خصوص نقطه جنوبی لبنان همچنان طمع‌ورزی و توسعه‌طلبی داشت. بنابراین، مقاومت باید ادامه پیدا می‌کرد؛ چون خطر این رژیم به کلی دفع نشده بود. الآن هم اگر مقاومت و بازدارندگی وجود نداشته باشد، ارتش لبنان نمی‌تواند در مقابل اسرائیل مقاومت کند.

از این نظر، پیروزی سال ۲۰۰۰ شروع مسیری طولانی بود که به تدریج حزب‌الله از بازیگر داخلی در صحنه لبنان تبدیل به بازیگر قدرتمند منطقه‌ای شد که در صحنه‌های مختلف منطقه از جمله سوریه، عراق، یمن و ... نقش مؤثری ایفا می‌کند و فراتر از گروه‌های لبنانی رفته است به‌گونه‌ای که دیگر گروه‌های لبنانی اصلاً در حدواندازه‌ای نیستند که خودشان را در عرض حزب‌الله معرفی کنند و هم‌اوردی با آن داشته باشند.

بنابراین، این مسیر طولانی ادامه خواهد داشت؛ اما پایانش کجاست؟ بنابر اعتقادات ما شیعیان پایان این مسیر با ظهور و فرج آقا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهد بود. بنابراین، تا زمانی که آن منجی موعود ظهور نکند و عدل و داد حاکم نشود، مقاومت ادامه خواهد داشت.

اما در خصوص تأثیر جنگ سی‌وسه‌روزه بر اوضاع منطقه غرب آسیا و نقشه خاورمیانه جدید آمریکایی می‌توان چنین گفت که این جنگ واقعاً جنگی بود که با فشار گروه محافظه‌کاران جدید در آمریکا در دوران دولت جرج بوش پسر به حزب‌الله تحمیل شد. در واقع، این جنگ مقدمه‌ای برای حمله به ایران بود؛ چون هم آمریکا به‌خصوص جریان تندروی محافظه‌کاران جدید در آمریکا و هم اسرائیل به‌شدت از قدرت‌یابی و قدرتمند شدن ایران واهمه داشتند و در سال ۲۰۰۶، با توجه به تحولات منطقه‌ای و آنچه در عراق و منطقه می‌گذشت، به این نتیجه رسیدند که باید حمله اساسی به ایران بکنند؛ اما چون می‌دانستند اگر به ایران حمله بشود، علاوه بر اینکه نیروهای نظامی ایران از خاک ایران پاسخ می‌دهند، حزب‌الله هم از خاک خودش پاسخ خواهد داد و با توجه به اینکه اسرائیل هم در جبهه داخلی‌اش بسیار آسیب‌پذیر است، به آمریکایی‌ها این‌طور قبولاندند که اول علیه حزب‌الله حمله غافلگیرکننده، ویرانگر و سریع انجام بشود تا حزب‌الله هر آنچه دارد، از دست بدهد و خطری از طرف حزب‌الله رژیم صهیونیستی را تهدید نکند. بعد، آمریکا به ایران حمله کند.

این طرح هم بزرگ‌تر از حمله به ایران بود؛ یعنی قرار بر این بود که اصلاً کل کشورهای بزرگ منطقه خاورمیانه -چه دوست و چه دشمن آمریکا- تجزیه و به کشورهای کوچکی مثل شیخ‌نشین‌های حوزه عربی خلیج فارس

تبدیل بشوند تا به راحتی حکومت کنند. طرح خاورمیانه جدید طرح بسیار خطرناکی بود، ولی با مقاومتی که حزب الله در جنگ سی و سه روزه از خودش نشان داد و با پیروزی‌هایی که به دست آورد، این خطر را به شکل اساسی برطرف کرد. محافظه کاران جدید در آمریکا هم شکست خوردند و مجبور شدند موقتاً از صحنه سیاست بنابراین، جنگ سی و سه روزه تأثیر بسیار عمده‌ای در شکست توطئه محافظه کاران جدید و حفظ خارج بشوند محور مقاومت و حمایت از ملت‌های منطقه داشت. این نکته را هم نباید یادمان برود که حزب الله بعد از جنگ سی و سه روزه تبدیل به بازیگر قدرتمند منطقه‌ای شد. تا قبل از جنگ سی و سه روزه، حزب الله بیشتر رنگ و لعاب داخلی لبنان را داشت، اما بعد از جنگ سی و سه روزه بسیار معروف‌تر، محبوب‌تر و شناخته شده‌تر در منطقه و در بین مسلمانان جهان شد.

**از نگاه رهبر انقلاب، حزب الله تنها بخشی از ظرفیت مقاومت در منطقه است. چگونه می‌توان سایر ظرفیت‌ها مانند حزب الله را فعال کرد؟**

قطعاً حزب الله بخشی از محور مقاومت است و الآن تبدیل به بازیگر اصلی در محور مقاومت شده و ما نقش تعیین کننده‌اش را در سوریه، عراق و جاهای دیگر دیدیم؛ اما قطعاً ظرفیت‌های دیگری وجود دارد. هر کجا که ما شیعیان را داریم و هر کجا که اهل سنتی وجود دارند که مایل به مقاومت علیه هیمنه آمریکا و اشغالگری اسرائیل باشد، برای ما فرصت‌هایی هستند که بازیگران جدیدی را به محور مقاومت اضافه کنیم تا در منطقه دیدیم که چقدر روابط ایران با جنبش‌های مقاومت فلسطینی نقش ایفا کنند. ما بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ از جمله حماس گسترش پیدا کرد و پیروزی‌های متعددی مقاومت فلسطین در صحنه‌های مختلف به دست آورد. که الآن تبدیل به کابوسی برای رژیم صهیونیستی شده است.

بنابراین، ما باید از تمام ظرفیت‌ها، حتی ظرفیت‌های خارج از جهان اسلام که گرایش‌های ضد آمریکایی، ضد اسرائیلی و ضد ظلم دارند، استفاده کرد. این فرصتی برای محور مقاومت است تا با آن‌ها ارتباط‌گیری کند، به رغم اینکه ممکن است از نظر ایدئولوژی، از نظر دین و مذهب با محور مقاومت متفاوت باشند؛ اما چون در مبارزه با هیمنه آمریکا و مبارزه با اشغالگری اسرائیلی اشتراک نظر وجود دارد، نباید این فرصت را از دست داد. حزب الله نیز به خوبی از این فرصت‌ها استفاده کرد و ارتباط خیلی خوب و مؤثری با این جریان‌ها به خصوص در جهان غرب گرفت. در جنگ سی و سه روزه، همین جریان‌ها در کشورهای خودشان راهپیمایی‌های بزرگی در برابر سفارت اسرائیل برگزار می‌کردند و این فشار بسیار سنگینی را به رژیم صهیونیستی و آمریکا وارد می‌کرد تا جنگ را پایان ببخشند.

بنابراین، این ظرفیت‌ها را باید شناسایی کرد، ارتباط درستی با آن‌ها برقرار کرد و به موقع از این ظرفیت‌ها

استفاده کرد. الآن در محور مقاومت، یمن هم وارد شده و اسرائیلی‌ها به شدت احساس وحشت کردند که یمنی‌ها دارند در قدرت موشکی و پهپادی بسیار رشد می‌کنند؛ چراکه از دید اسرائیلی‌ها ممکن است در آینده نزدیک آن‌ها به فلسطین اشغالی حمله کنند.

### عملکرد حزب‌الله در دهه اخیر و فتنه تکفیری‌ها در عراق و شام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در دهه اخیر که کل منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا شاهد تحولات بسیار عمیقی بود، انقلاب‌هایی شروع شد که در ابتدا انقلاب‌های اصیل مردمی بود، اما متأسفانه با ورود عربستان و امارات این انقلاب‌ها از مسیر اصلی‌اش منحرف شد و به جای اینکه ضداستبداد داخلی، ضدهیمنه آمریکا و ضداشغالگری اسرائیل باشد به سمت جنگ‌های مذهبی، برادرکشی و ارائه چهره بسیار خشن و نفرت‌انگیز از دین مقدس اسلام رفت تا همه جهانیان را از اسلام دور کند. خب، این توطئه بسیار خطرناکی بود، چراکه ملت‌های منطقه در درجه اول و بعد از آن همه ملت‌های دنیا تحت خطر بزرگی بودند.

به همین خاطر، حزب‌الله با اینکه مایل نبود در این نوع مسائل وارد بشود و اولویت خودش را مبارزه علیه اسرائیل قرار داده بود، اما دید که اگر وارد این بحران نشود و با گروه‌های تروریستی وهابی-تکفیری مبارزه نکند، نه تنها آن‌ها ملت‌های منطقه را از بین خواهند برد و ضربه بسیار خشن و خطرناکی به جهان اسلام خواهند زد، بلکه بهترین گزینه برای اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها خواهند بود و به وسیله آن‌ها فتنه مذهبی تحت عنوان شیعه و سنی راه خواهد افتاد. حزب‌الله در این بحران وارد شد تا جلوی این سناریو را هم بگیرد. در اصل، نیروی قدس به فرماندهی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی وارد این صحنه شد و فرماندهی را به دست گرفت و نیروهای مقاومت در کنارش بودند. در نهایت هم دیدیم که گروهک تروریستی خشن و جنایتکار داعش شکست خورد و آن تعدادی که باقی ماندند، مجبور شدند که به کوه‌ها و مناطق صعب‌العبور پناهنده شوند.

این پیروزی‌ها به برکت حضور همه نیروهای مقاومت بود. این نیروها با هم‌افزایی قدرت همدیگر توانستند در درجه اول سوریه و بعد هم عراق را از خطر گروه‌های تکفیری حفظ کنند و آن خطر اصلی برطرف شود. بنابراین، حضور حزب‌الله در جریان فتنه تکفیری‌ها بسیار تعیین‌کننده بود؛ به خصوص اینکه مشکلاتی جهان عرب داشت که باید به دست کسانی دنبال و پیگیری می‌شد که به زبان عربی مسلط و با فرهنگ عربی آشنا باشند. خب، هماهنگی کامل و برادران حزب‌الله در این کار هم موفق عمل کردند و باعث شدند این پیروزی‌ها به دست بیاید. تام و تمامی بین شهید قاسم سلیمانی و آقای سیدحسین نصرالله وجود داشت.

روند روبه‌رشد حزب‌الله در سه دهه اخیر چه تأثیری بر مقاومت فلسطین داشته است؟

حزب‌الله در دهه اول شکل‌گیری، با وجود وضعیت بحرانی لبنان و جنگ داخلی آن، به مقاومت فلسطین ❖ کمک می‌کرد؛ اما آن موقع گروهی مثل جهاد تازه تشکیل شده بود و قدرت آنچنانی نداشت. بعدها حماس در اواخر دهه ۱۳۶۰ تشکیل شد. با پایان جنگ داخلی لبنان، فرصت بیشتری برای حزب‌الله فراهم شد تا به مقاومت فلسطین کمک کند؛ اما چون هنوز ارتش رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان حضور داشت، بیشترین اولویت حزب‌الله جنگ با این ارتش غاصب و اشغالگر در جنوب لبنان بود.

اما بعد از آن عقب‌نشینی و شکست بزرگ ارتش اسرائیل در سال ۲۰۰۰، آن عقب‌نشینی و شکست الهام‌بخش فلسطینی‌ها شد و انتفاضه اول در داخل فلسطین اشغالی آغاز شد. مردم و گروه‌های مقاومت فلسطین از پیروزی بزرگ حزب‌الله الهام گرفتند و قدرتمندانه وارد صحنه شدند. از اینجا به بعد بود که ارتباط تنگاتنگی بین حزب‌الله و جنبش‌های مقاومت فلسطینی اعم از حماس، جهاد اسلامی، گروه‌های جبهه‌الشعبیه و گروه‌های مختلفی که دست‌اندرکار این مقاومت بودند، گسترش پیدا کرد و حزب‌الله به‌صورت اساسی به کمک فلسطینی‌ها پرداخت. به همین خاطر بود که رژیم صهیونیستی دست به ترور برادرانی از حزب‌الله می‌زد که در کمک‌رسانی به مردم و گروه‌های مقاومت فلسطینی فعال بودند که در رأس آن‌ها شهید حاج‌عماد مغنیه بود. بنابراین، الآن با توجه به نقش تأثیرگذار حزب‌الله در سه دهه اخیر در فلسطین تقریباً می‌شود گفت به‌معنای واقعی محور مقاومت فلسطین تشکیل شده که با مقاومت حزب‌الله و جاهای دیگر با یک هدف واضح و روشن و بسیار ارزشمند دارد هماهنگ عمل می‌کند.

### در حال حاضر، حزب‌الله با چه تهدیدات و توطئه‌هایی روبه‌روست؟ ❖

همان تهدیدهایی که حزب‌الله همیشه از طرف آمریکا، انگلیس، فرانسه، رژیم صهیونیستی و کشورهای مرتجع ❖ عرب و مزدور روبه‌روست. در داخل لبنان هم گروه‌های سیاسی‌ای که هر کدامشان به یکی از قدرت‌های خارجی همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه و یا رژیم صهیونیستی وصل باشند و همکاری کنند، برای حزب‌الله تهدید محسوب می‌شوند.

از طرف دیگر، لبنان به‌علت معضلات داخلی، وضع بحرانی اقتصاد و فساد گسترده‌ای که در نظام سیاسی، مالی و اداری دارد، تبدیل به چالشی برای حزب‌الله شده است؛ چون حزب‌الله در جامعه لبنان دارد زندگی می‌کند و طرف‌داران و حامیان حزب‌الله همین مردم عادی (شیعه‌ها، سنی‌ها، مسیحی‌ها و بخشی از دروزها) هستند که دارند از این وضعیت بسیار بحرانی اقتصاد لطمه می‌بینند. در واقع، حزب‌الله با چالشی چندجانبه روبه‌روست؛ یعنی هم با تهدید خارجی و داخلی و هم با وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست و مجبور است با همه این چالش‌ها و تهدیدات به‌صورت هم‌زمان مقابله کند. این کاری بسیار طاقت‌فرسا و مشکل‌هست؛ چراکه

در نبود حاج‌عماد مغنیه و حاج‌قاسم سلیمانی، تمام این فشارها روی دوش آقای سیدحسن نصرالله قرار گرفته و به‌رغم پیروزی‌های بزرگی که به‌دست آمده، ولی فشار کاری بر ایشان فوق‌العاده افزایش پیدا کرده که باید همه دعا و کمک کنیم تا ایشان این مسیر را با قدرت همچون سی سال گذشته ادامه دهد.

**متقابلاً حزب‌الله لبنان . رهبر انقلاب نگاه ویژه‌ای به حزب‌الله و شخص آقای سیدحسن نصرالله دارند** ♦  
**هم چنین نگاهی به جمهوری اسلامی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دارد. این تعامل ویژه طرفین  
برخاسته از چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟**

همه می‌دانند که روابط بسیار نزدیک و مرید و مرادی بین آقای سیدحسن نصرالله و رهبر انقلاب وجود دارد. ♦  
آقای سیدحسن نصرالله، خودش را از مریدان تمام‌عیار رهبر انقلاب قرار داده و همه ایشان را به این نحو می‌شناسند. ریشه این ارتباط هم بیش از سی سال است؛ یعنی قبل از اینکه آقای سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله بشود، به‌علت جایگاه بالا در حزب‌الله، ارتباط تنگاتنگی با رهبر انقلاب داشت؛ حتی آن موقعی که رهبر انقلاب رئیس‌جمهور بودند و از طرف حضرت امام مسئول پرونده لبنان شده بودند، همین باعث شد که از همان اوایل دهه ۱۳۶۰ ارتباط نزدیکی بین رهبران حزب‌الله از جمله آقای سیدحسن نصرالله با ایشان ایجاد شود؛ اما از وقتی آقای سیدحسن نصرالله به‌عنوان دبیرکل انتخاب شد، این ارتباط خیلی ویژه و نزدیک‌تر شد.

این سرمایه بزرگی است که اول از همه برخاسته از دین، ایمان و تقواست که در هر دو بزرگوار در بالاترین سطح وجود دارد. علاوه بر این، هر دو انسان‌هایی باهوش، باحکمت، باتدبیر و دارای دید راهبردی و آینده‌نگر هستند. این باعث شده رابطه دوطرفه بسیار عمیق و تأثیرگذار باشد به‌طوری‌که رهبر انقلاب اعتماد به آقای سیدحسن نصرالله و تصمیماتش دارند. در مقابل هم آقای سیدحسن نصرالله فانی در آقا شده و هر ایده‌ای و نظری داشته باشد حتماً با رهبر انقلاب هماهنگ می‌کند و اگر جایی دیدگاهش متفاوت از دیدگاه رهبری باشد، دیدگاه خودش را کنار می‌گذارد و دیدگاه حضرت آقا را ملاک عمل قرار می‌دهد. خب، این به‌خاطر همان ایمان و اعتقاد و یقینی است که هر دو به هدف دارند. این به‌خاطر همان مسیر الهی است که ان‌شاءالله در نهایت به ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ختم خواهد شد.